

خجالت پروفها

شرم است زندگی به آقایان "ع و غ"
زیرا که نیستند حاکم اوضاع و شوروشین*
با اینهمه قتل و قتالها در وطن
ابرو خم نکرده و باشند، در اتن
هرگاه برون شود شجری از درون شان
گویند که سایه ی سرما است به هر مکان
اینهاستند قهرمان خجالت پروف ما
اینهاستند چاکران، عدوی مخوف ما
اینهاستند رفیق، شباروز طالبان
اینهاستند برادر، و حامی قاتلان
دزدان حرفوی و توانمند دولت اند
شرمسار و روسیاه، بروز قیامت اند
آخر بس است "حیدری" زین بیشتر مگو
حیف است صرف وقت و، زایشان گفتگو

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۱۵، ۴، ۱۸، سدنی

*شور و شین - آشوب و غوغا و زشتی، فریاد و فتنه و هیجان و آشفتگی و زشتی

فرهنگ فارسی عمید